

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

صحابه

و

نقض عهد و پیمان

۲۳ آبان ۱۳۸۶

۳ ذی القعدة ۱۴۲۸

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

قال الله الحكيم في محكم كتابه :

﴿وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾^(۱).

پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خوشنود گشت و آنها نیز از او خوشنود شدند و باغهایی از بهشت برای آنان فراهم ساخته، که نهرها از زیر درختانش جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند و این است پیروزی بزرگ.

چکیده سخن؛

موضوع سخن در مورد عدالت صحابه رسول الله ﷺ بود. در جلسه گذشته دلایل کسانی که مدعی بودند همه صحابه بدون استثناء عادل هستند را نقل و نقد نمودیم.

۱-سوره توبه، آیه ۱۰۰.

روشن شد که اهل سنت برای اثبات مدعایشان به آیاتی از قرآن مجید استناد نمودند که سه اشکال مهم بر دلایل آنان وارد کردیم.

اشکال نخست: وجود بیماردلان در میان اصحاب

اگر تمام کسانی که محضر مبارک رسول الله ﷺ را درک کرده‌اند عادل باشند، باید گروهی که قرآن مجید از آنان به «بیماردلان» یاد می‌کند نیز عادل و صالح باشند؛ زیرا آنان نیز در محضر رسول الله ﷺ بودند و جزء اصحاب به شمار می‌روند، حال آنکه خداوند متعال به آنان وعده عذاب و عقاب داده است و این دو شامل انسانهای عادل و نیکوکار نمی‌گردد. در نتیجه برخی از صحابه یعنی همان «بیماردلان» از دایره عدالت خارج می‌گردند.

اشکال دوم: شرط خلوص نیت

با تأمل در آیات قرآن مجید آشکار می‌گردد که از نظر خداوند متعال مهاجرت و نصرت رسول الله ﷺ بدون نیت خالص برای سعادت‌مندی و حسن عاقبت کافی نیست. قرآن فقط مهاجرین و انصاری که در راه خدا و با نیتی خالص همراه رسول الله ﷺ بودند را انسانهای عادل و صالح معرفی می‌نماید.

به عنوان نمونه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً
وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾^(۱).

آنها که پس از ستم دیدن در راه خدا هجرت کردند، در این دنیا جایگاه و (مقام) خوبی به آنها می‌دهیم و پاداش آخرت، از آن هم بزرگتر است اگر می‌دانستند.

۱-سوره نحل، آیه ۴.

اشکال سوم : شرط وفاداری

با توجه به آیاتی که در رابطه با مدح و ستایش مهاجرین و انصار می‌باشد، در می‌یابیم که مدح و ثنای آنان دارای شرایطی خاص می‌باشد و فقط کسانی که واجد این شروط باشند شامل مدح الهی قرار گرفته‌اند، نه همه آنان. از جمله قیودی که در قرآن مجید بر آن تأکید فراوان شده است، وفاداری به عهد و پیمان با خداوند متعال و رسول الله ﷺ می‌باشد.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَّا يَشِئْتُهُ اجْرًا عَظِيمًا﴾^(۱).

کسانی که با تو بیعت می‌کنند در حقیقت تنها با خدا بیعت می‌نمایند و دست خدا بالای دست آنهاست پس هر کس پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان شکسته است و آن کس که نسبت به عهدی که با خدا بسته وفا کند به زودی پاداش عظیمی به او خواهد داد.

از این آیه در می‌یابیم، تنها آن دسته کسانی که در آغاز ظهور اسلام و یا در صلح حدیبیه با پیامبر ﷺ بیعت نمودند و آن را نقض نکردند و زیر پا نگذاشتند، دارای پاداشی بزرگ خواهند بود و خداوند متعال از آنان خشنود می‌باشد؛ در نتیجه صرف حضور در بیعت رضوان برای اثبات عدالت افرادی خاص کافی نمی‌باشد. از دیدگاه قرآن شرط مهم برای تمجید از افراد، وفاداری

۱-سوره فتح، آیه ۱۰.

آنها به عهد و پیمان با رسول الله ﷺ و انجام عمل صالح تا آخر عمر می‌باشد. خداوند متعال در رابطه با این افراد می‌فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾^(۱).

کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند وعدهٔ آمرزش و اجر عظیمی داده است.

در آیهٔ دیگری هم خداوند به کسانی وعدهٔ پاداش می‌دهد که در پیمان و عهد خود راستگو و استوار باشند.

﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ

وَمِنْهُمْ مَّن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا * لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ

الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنْ اللَّهُ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا﴾^(۲).

در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهدی که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند، بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند) و بعضی دیگر در انتظارند و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند * هدف این است که خداوند صادقان را به خاطر صدقشان پاداش دهد، و منافقان را هرگاه اراده کند عذاب نماید یا (اگر توبه کنند) توبهٔ آنها را بپذیرد، چراکه خداوند آمرزنده و رحیم است.

۱- سورهٔ فتح، آیه ۲۹.

۲- سورهٔ احزاب، آیات ۲۴-۲۳.

نگاهی به بیعت رضوان؛

حال که سخن به اینجا رسید بسیار مناسب است که از منظر تاریخی هم به بررسی نظریهٔ عدالت صحابه بپردازیم. به همین منظور لازم است پاره‌ای از تاریخ صدر اسلام که مربوط به صلح حدیبیه^(۱) و حوادث مرتبط با آن می‌باشد را مورد دقت و موشکافی قرار دهیم.

در سال ششم هجرت، رسول الله ﷺ تصمیم گرفتند برای به جای آوردن اعمال حجّ به مکه مکرمه مشرف شوند. به همین منظور یاران و اصحاب خود را فراخواندند. گروهی از اهالی مدینه و اطراف آن به بهانه‌هایی چون زراعت و تجارت، رسول الله ﷺ را در این سفر همراهی نکردند، البته عدم حضور آنان بیش از آنکه مرتبط به گرفتاری‌های معیشتی باشد، ناشی از ترس و هراس آنها از قریش و ساکنان مکه بود.

رسول الله ﷺ همراه با هزار و چهارصد نفر به سوی مکه حرکت کردند. حرکت پیامبر ﷺ و یارانشان به گونه‌ای بود که شائبهٔ جنگ و ستیز با قریش را منتفی می‌ساخت؛ زیرا رسول الله ﷺ و اصحاب به همراه خود گوسفند و شتر آوردند که نشان از قصد آنها برای به جای آوردن اعمال حج داشت^(۲).

هنگامی که رسول الله ﷺ به نزدیکی حدیبیه^(۳) رسیدند سران قریش

۱- البدایة والنهایة، جلد ۴ صفحه ۱۸۸.

۲- به این نوع حج، «حجّ قران» گفته می‌شود.

۳- حدیبیه مکانی نزدیک مکه و یکی از مواجبت عمره مفرده می‌باشد، ساکنین مکه برای

به رسول الله ﷺ و همراهان ایشان اجازه ورود به مکه را ندادند و پس از کشمکشهای مکرر سرانجام با رسول الله ﷺ پیمانی بستند که در تاریخ به «صلح حدیبیه» معروف گشت.

پیامبر ﷺ در خلال این موضوع و پس آنکه شایعه کشته شدن دومین نماینده خود را شنیدند در صدد تحکیم اراده یاران خود بر آمدند و فرمودند: «از اینجا نمی‌روم تا کار را یکسره کنم»؛ لذا زیر سایه درختی نشستند و یارانشان به نشان تجدید عهد و پیمان، با ایشان بیعت دوباره کردند. این رویداد در تاریخ به «بیعت رضوان»^(۱) معروف شد.

آیه ۱۰ سوره فتح نیز به همین حادثه اشاره می‌کند:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَنْ يَكْفُرْ أَكْفُرًا عَظِيمًا﴾^(۲).

کسانی که با تو بیعت می‌کنند در حقیقت تنها با خدا بیعت می‌نمایند و دست خدا بالای دست آنهاست پس هر کس پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان شکسته است و آن کس که نسبت به عهدی که با خدا بسته وفا کند به زودی پاداش عظیمی به او خواهد داد. در این آیه خداوند متعال، پیمان شکنان را زیان کار معرفی می‌نماید و

→ بستن احرام به این میقات می‌آیند. (العروة الوثقی، جلد ۴ صفحه ۶۴۰)

۱- البدایة والنهایة، جلد ۴ صفحه ۱۹۱ و تاریخ طبری، جلد ۲ صفحه ۲۷۸-۲۷۹.

۲- سوره فتح، آیه ۱۰.

وعدۀ پاداشی بزرگ به وفاداران می‌دهد. پس از اینکه پیامبر ﷺ سرسختی اهل مکه را برای جلوگیری از ورود خود و یارانشان به شهر دیدند و از انجام مراسم حج نا امید شدند، به مسلمانان دستور دادند که پس از قربانی کردن حیواناتی که آورده بودند سرهای خود را بتراشند و از احرام خارج شوند.

اما در میان همراهان رسول الله ﷺ گروهی بودند که دائماً از رسول الله ﷺ گلاویه داشتند و بر ایشان اعتراض می‌کردند و تمام افعال و اعمال پیامبر ﷺ را نادرست و اشتباه می‌دانستند. ما هم با استناد به تاریخ نمی‌توانیم آنها را نادیده بگیریم. حال سؤال این است که آیا این گروهی که همیشه معترض بودند و بر پیامبر خدا ﷺ - که به منبع لایزال وحی متصل است - خرده می‌گرفتند، چون صرفاً جسم آنها در حدیبیه و بیعت رضوان حاضر بوده لایق عنوان عدالتند؟! پیامبر ﷺ به همراهان خود که نتوانسته بودند اعمال حج را به جای آورند - و از این بابت ناراحت بودند - دلگرمی می‌دادند و همین جا بود که به آنان وعدۀ فتح قریب و به دست آوردن غنیمت فروان دادند. این وعدۀ الهی در جنگ خیبر (سال هفتم هجری) محقق شد.

در این زمینه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا * وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾^(۱).

۱- سوره فتح، آیات ۱۹-۱۸.

خداوند از مؤمنان - هنگامی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند - راضی و خشنود شد، خدا آنچه را در درون دلهایشان (از ایمان و صداقت) نهفته بود می دانست از این رو آرامش را بر دلهایشان نازل کرد و پیروزی نزدیکی بعنوان پاداش نصیب آنها فرمود. * و همچنین غنایم بسیاری که آن را به دست می آورند، و خداوند شکست ناپذیر و حکیم است.

پس از بیعت رضوان؛

روشن شد که گروهی به بهانه‌های واهی، رسول الله ﷺ را در سفر به مکه همراهی نکردند. خداوند متعال می فرماید:

﴿سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِآيَاتِنَاهُمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرّاً أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعاً بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبيراً﴾^(۱).

به زودی بازماندگان از اعراب بادیه نشین (عذر تراشی کرده) می گویند: حفظ اموال و خانواده‌های ما، ما را به خود مشغول داشت (و نتوانستیم در سفر حدیبیه تو را همراهی کنیم). برای ما طلب آمرزش کن. آنها به زبان خود چیزی می گویند که در دل ندارند. بگو: چه کسی می تواند در برابر خداوند از شما دفاع کند، هرگاه زیانی برای شما بخواهد و یا اگر نفعی اراده کند (مانع گردد)؟! و خداوند به همه کارهایی که انجام می دهید آگاه است.

۱-سوره فتح، آیه ۱۱.

بازماندگانی که رسول الله ﷺ را همراهی نکردند، با خبر شدند که خداوند متعال به همراهان پیامبر ﷺ وعده پیروزی نزدیک با غنایمی فراوان داده است، این را هم می دانستند که وعده های خداوند قطعی و تخلف ناپذیر است؛ لذا حرص و طمع به غنایم آنان را وا داشت که وانمود نمایند از کرده خود پشیمان هستند و می خواهند به یاری اسلام بشتابند تا شاید از این رهگذر چیزی هم نصیب آنها بشود.

خداوند متعال در پاسخ به درخواست آنها به پیامبر ﷺ امر فرمود که فرمان خداوند را بر آنها اینگونه ابلاغ کند:

﴿قُلْ لِّلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ فَإِنِ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِن تَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِّن قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾^(۱).

به بازماندگان از اعراب بگو: به زودی از شما دعوت می شود که به سوی قومی نیرومند و جنگجو بروید و با آنها پیکار کنید تا اسلام بیاورند، اگر اطاعت کنید، خداوند پاداش نیکی به شما می دهد و اگر سرپیچی نمایید - همان گونه که در گذشته نیز سرپیچی کردید - شما را با عذاب دردناکی کیفر می دهد.

با کنار هم گذاردن قضایای بیعت رضوان و پس از آن روشن می شود که خداوند متعال به دو گروه وعده پاداش داده است؛ گروه اول کسانی که در بیعت رضوان، با ایمان و صداقت، در کنار رسول الله ﷺ بودند و استوار باقی ماندند

۱- سوره فتح، آیه ۱۶.

و گروه دّوم کسانی بودند که بعد از ماجرای حدیبیه از گذشته خود پشیمان شدند و متعهد شدند که دیگر پیمان شکنی نکنند.

بررسی عملکرد برخی از صحابه؛

حال باید ببینیم که مسلمانان پس از نزول این آیه و تعهدی که دادند چه کردند؟ آیا به عهد و پیمان خود عمل کردند یا خیر؟ آیا از حضور در جبهه‌های جنگ برای یاری پیامبر ﷺ و اسلام طفره نرفتند و شانه خالی نکردند؟ برای یافتن پاسخ لازم است به منابع مورد اعتماد اهل تسنن نظری بیافکنیم.

برای گروهی از مسلمانان عادت شده بود که هنگام جنگ فرار می‌کردند و پیامبر ﷺ را تنها می‌گذاشتند. مسلمانان در بیعت رضوان با پیامبر ﷺ بیعت کردند که دیگر ایشان را تنها نگذارند و از جبهه و کارزار فرار نکنند ولی همانان که در بیعت رضوان از خود اشتیاق نشان می‌دادند - چه قبل از آن و چه بعد از آن - همواره از جنگ فرار می‌کردند.

در این رابطه کتاب صحیح مسلم که از کتب معتبر اهل سنت است روایتی بدین مضمون نقل می‌نماید.

«كُنَّا يَوْمَ الْحَدِيبَةِ أَلْفًا وَأَرْبَعَمِائَةَ فَبَايَعَنَا وَعَمْرٌ أَخَذَ بِيَدِهِ تَحْتَ الشَّجَرَةِ وَهِيَ سَمْرَةٌ وَقَالَ بَايَعَنَا عَلَى أَنْ لَا نَفِرَّ وَلَمْ نَبَايَعِهِ عَلَى الْمَوْتِ»^(۱).

در روز حدیبیه هزار و چهارصد نفر بودیم و با پیامبر ﷺ بیعت کردیم و عمر [علیه ما علیه] دست پیامبر ﷺ را در زیر درخت

۱- صحیح مسلم، جلد ۶ صفحه ۲۵.

سمره^(۱) گرفته بود و گفت: با پیامبر ﷺ بیعت کردیم که دیگر فرار نکنیم و [ولی] بیعت نکردیم که در رکاب او کشته شویم.

کسانی که بر این عهد و پیمان خود وفادار ماندند، قطعاً این آیه شریفه شامل حال آنان می‌گردد و خداوند متعال از آنان راضی خواهد بود. اما این مطلب هم مسلم است که گروهی نیز بودند که پیمان شکستند و همواره از حضور در جنگهای دیگر شانه خالی کردند و فرار را برقرار ترجیح دادند.

به عنوان نمونه، بسیاری از کسانی که در بیعت رضوان حضور داشتند در غزوه حنین در آن لحظات حساس و خطرناک جنگ گریختند. در این رابطه ابن مسعود که روایت‌های او برای اهل سنت ارزش فراوان دارد، می‌گوید:

«كنت مع رسول الله ﷺ يوم حنين فوالى عنه الناس وبقيت معه في ثمانين رجلاً من المهاجرين والأنصار»^(۲).

در روز حنین همراه رسول الله ﷺ بودم و مسلمانان از جنگ فرار کردند و من به همراه هشتاد نفر از مهاجرین و انصار در کنار ایشان ماندیم.

بنا به شهادت تاریخ در غزوه حنین تعداد سپاهیان اسلام دوازده هزار نفر بود^(۳) که از این تعداد، تنها هشتاد نفر در کنار رسول الله ﷺ باقی ماندند و فرار نکردند. آیا این مصداق بارز پیمان شکنی نیست؟ آیا خداوند متعال از این افراد

۱- سمره: نام درختی است شبیه به موز که در مناطق مرطوب می‌روید. (مجمع البحرین، جلد ۲ صفحه ۴۱۷)

۲- این روایت در اکثر کتب اهل سنت ذکر شده است به عنوان نمونه مستدرک حاکم، جلد ۲ صفحه ۱۱۷، مسند احمد، جلد ۱ صفحه ۴۵۳، المعجم الکبیر، جلد ۱۰ صفحه ۱۶۹.

۳- سیره ابن هشام، جلد ۴ صفحه ۸۳.

راضی و خشنود است؟ کدام یک از کسانی که اهل سنت مدعی عدالتشان هستند در میان آن هشتاد نفر بودند؟

اهل سنت در روایتی دیگر می‌گویند، در غزوه حنین همه سپاهیان فرار کردند و تنها چهار نفر در کنار رسول الله ﷺ باقی ماندند.

«لَمَّا فَرَ النَّاسُ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ يَوْمَ حَنْبِنٍ جَعَلَ النَّبِيُّ ﷺ يَقُولُ: أَنَا النَّبِيُّ لَا كَذِبَ أَنَا ابْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، فَلَمْ يَبْقَ مَعَهُ إِلَّا أَرْبَعَةٌ، ثَلَاثَةٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ وَرَجُلٌ مِنْ غَيْرِهِمْ، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَالْعَبَّاسُ وَهُمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَبُو سَفْيَانَ ابْنُ الْحَرِثِ أَخَذَ بِالْعَنَانِ وَابْنُ مَسْعُودٍ مِنْ جَانِبِهِ الْأَيْمَنِ»^(۱).

هنگامی که در جنگ حنین مسلمانان فرار می‌کردند، پیامبر ﷺ فرمودند: من پیامبری راستگو هستم و فرزند عبدالمطلب می‌باشم، در ادامه جنگ همه گریختند و تنها چهار نفر باقی ماندند. سه نفر از بنی هاشم و یک نفر دیگر، آن سه نفر عبارت بودند از علی ابن ابی طالب [ع] عباس که پیشایش رسول الله ﷺ بودند و ابو سفیان که افسار مرکب را در دست داشت و نفر چهارم ابن مسعود بود که در طرف راست ایستاده بود.

پ بررسی آیه بیعت رضوان؛

الف؛ خداوند متعال از کسانی که همراه رسول الله ﷺ در بیعت رضوان بودند خشنود و راضی است، چنین افرادی قطعاً عادل خواهند بود، اما خداوند

۱- المصنف، جلد ۸ صفحه ۵۵۲.

متعال حضور در بیعت رضوان را مقید و مشروط به وفاداری به عهد و پیمان کرده است و پیمان شکنان را زیانکار معرفی نموده است. حال این پرسش مطرح است که آیا کسانی که به بهانه‌های واهی از حضور در جهاد سرباز می‌زدند و یا اگر مجبور می‌شدند به جنگ بروند، در لحظات حساس می‌گریختند، جزء تخلف‌کنندگان و پیمان شکنان نیستند؟!

واضح است که یکی از مصادیق روشن پیمان شکنی، گریز از جنگ و جهاد و عدم نصرت پیامبر ﷺ می‌باشد و چنین شخصی نمی‌تواند عادل باشد. ب؛ اگر بپذیریم که خداوند متعال از تمام کسانی که در بیعت رضوان حضور داشتند راضی و خشنود می‌باشد اما این امر نمی‌تواند مدّعی اهل سنت را مبنی بر عدالت همه صحابه ثابت کند و تنها عدالت هزار و چهارصد نفری را که در بیعت رضوان حضور داشتند اثبات می‌نماید (هر چند روشن نمودیم که بر اساس مدارک معتبر بسیاری از شرکت‌کنندگان در بیعت رضوان بر سر عهد خویش با پیامبر ﷺ باقی نماندند).

ج؛ نکته ظریف دیگری که با دقت در آیه، در می‌یابیم این است که خداوند متعال می‌فرماید: ما از مؤمنانی که با پیامبر ﷺ در زیر درخت بیعت کردند خشنود و راضی هستیم و حساب مؤمنین را از همه حاضرین در مراسم بیعت جدا کردند. خداوند فقط از بیعت‌کنندگان مؤمن خشنود است. از سوی دیگر به شهادت تاریخ مسلم است که همه حاضران در بیعت رضوان مؤمن نبودند. زیرا برخی از آنان از ترس، شرم و یا استفاده از منافع مادی به صف مسلمانان پیوستند و می‌خواستند همراه آنان به مکه بروند.

حال اگر کسی بگوید چرا در رابطه با آیه مورد نظر به عموم تمسک نمی‌کنید و قائل نمی‌شوید که تمام بیعت کنندگان مؤمن هستند و خداوند از آنان راضی می‌باشد؟

در پاسخ می‌گوییم: این استدلال در اصطلاح علم اصول، تمسک به عام در شبهه مصداقیه می‌باشد و از نظر علم اصول باطل است. اگر در آیات قرآن مجید حکمی شرعی به عنوانی تعلق گیرد آن عنوان موضوعیت دارد و نمی‌توانیم آن حکم را به عناوین دیگر تسری و گسترش دهیم و باید بر همان عنوان و مصداق خاص ملتزم باشیم. به طور کلی عنوان مأخوذ در لسان دلیل موضوعیت دارد.

به همین دلیل است که می‌گوییم خداوند متعال فقط از مؤمنانی که بیعت کرده‌اند - نه از همه مسلمانان و نه از همه بیعت کنندگان - راضی و خشنود است.

قاتل عثمان (علیه ما علیه) در حدیثیه!

به گواهی تاریخ برخی از افرادی که در بیعت رضوان بودند از سر کردگان قتل عثمان [علیه ما علیه] هستند. عبدالرحمن ابن عدیس در بیعت رضوان حضور داشت و ضمناً از چهار نفری بود که خانه عثمان [علیه ما علیه] را محاصره کردند و وی را به قتل رساندند^(۱).

«کان عبدالرحمن بن عدیس مّمّن بايع تحت الشجرة رسول الله ﷺ»

۱- فتح الباری، جلد ۲ صفحه ۱۵۹، طبقات کبری، جلد ۳ صفحه ۶۵- الثقات، جلد ۲ صفحه ۲۵۶- الاصابة، جلد ۴ صفحه ۲۸۱.

وهو كان الأمير على الجيش الذين حصروا عثمان وقتلوه»^(۱).

عبدالرحمن ابن عدیس کسی بود که با پیامبر ﷺ در زیر درخت بیعت کرد و پرچمدار گروهی بود که خانه عثمان [علیه ما علیه] را محاصره کردند و وی را به قتل رساندند.

پرسشی که با توجه به مطالب یاد شده مطرح می‌شود این است که اهل سنت معتقدند تمام صحابه عادل هستند و یا دست کم قائل به عدالت حاضرین در بیعت رضوان هستند. از سوی دیگر دانستیم که یکی از افراد حاضر در بیعت رضوان، عثمان [علیه ما علیه] را به قتل رساند. با این مقدمه تنها دو راه پیش رو است؛

۱ - خلیفه سوم، مؤمن و مسلمان است و چون دست عبدالرحمن ابن عدیس به خون خلیفه آغشته گشته است مشمول لعن و غضب الهی قرار گرفته است. زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فِجْرًا أَوْهُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَعَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾^(۲).

و هر کس، فرد با ایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازات او دوزخ است، در حالی که جاودانه در آن می‌ماند و خداوند بر او غضب می‌کند و او را از رحمتش دور می‌سازد و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است.

بنابر این عبدالرحمن ابن عدیس از دایره عدالت خارج خواهد شد هر چند

۱- الاستیعاب، جلد ۲ صفحه ۸۴۰.

۲- سوره نسا، آیه ۹۳.

که در بیعت رضوان حضور داشت و همین یک مورد، برای نقض ادّعای اهل سنت کافی است.

۲- عثمان [علیه ما علیه] فردی مؤمن و مسلمان نبود و قتل او سبب خروج از محدوده عدالت نمی‌گردد.

مسئلاً اهل سنت فرضیه دّوم را قبول نمی‌کنند، در نتیجه یکی از بیعت کنندگان رضوان به خاطر قتل خلیفه سوّم مورد غضب خداوند قرار می‌گیرد. در نتیجه دست اهل سنت برای استدلال به عمومیت آیه کوتاه می‌گردد.

قاتل عمّار در میان بیعت کنندگان؛

یکی دیگر از شرکت کنندگان در بیعت رضوان ابو الغادیه «یسار ابن سبّح» است. وی قاتل عمار یاسر می‌باشد و بر این کار نیز افتخار می‌نمود، او هنگام اجازه خواستن برای دیدار معاویه (علیه اللعنة) چنین می‌گفت:

«قاتل عمّار بالباب»^(۱).

قاتل عمّار پشت درب ایستاده است.

از سوی دیگر روایات متعدّدی از پیامبر اسلام ﷺ نقل شده است که بیان می‌کند قاتل عمّار در آتش جهنّم افکنده خواهد شد. این روایت متواتر است و اگر بخواهیم منابعی که در آن این روایت نقل شده است را بیان کنیم، باید تمام کتب اهل سنت را نام ببریم.

۱- اسد الغابّة، جلد ۵ صفحه ۲۶۷، الفصل، جلد ۴ صفحه ۱۶۱.

رسول الله ﷺ خطاب به عمّار فرموده‌اند:

« تقتلك الفئة الباغية »^(۱).

تجاوزکاران تو را می‌کشند.

عبدالله ابن عمر (فرزند خلیفه دوم)، می‌گوید: شنیدیم که رسول الله ﷺ

فرمودند:

« قاتل عمّار في النار »^(۲).

قاتل عمار در آتش است.

عثمان [علیه ما علیه] نیز دو روایت فوق را از رسول الله ﷺ نقل

می‌نماید^(۳).

در روایتی دیگر نیز آمده است:

« يدخل سالك وقاتلك في النار »^(۴).

ای عمّار آنکه تو را به بند می‌کشد و آنکه تو را می‌کشد به جهنّم

می‌رود.

حال با وجود این موارد آیا می‌توان قائل به عدالت همه صحابه شد؟! قاتل

عمّار با وجود اینکه در بیعت رضوان حضور داشت عادل است؟! اگر اهل سنت

صحت احادیث فوق را بپذیرند، مدّعیان باطل خواهد شد و باید ملتزم شوند که

۱- مسند احمد، جلد ۲ صفحه ۱۶۱، صحیح مسلم، جلد ۸ صفحه ۱۸۶، مجمع الزوائد، جلد ۷ صفحه ۲۴۲.

۲- المعیار والموازنة، صفحه ۱۶۰، ترتیب جمع الجوامع، جلد ۷ صفحه ۷۴.

۳- کنز العمال، جلد ۱۳ صفحه ۵۲۸.

۴- کنز العمال، جلد ۱۱ صفحه ۷۲۷، تاریخ مدینة دمشق، جلد ۱۵ صفحه ۳۴۸.

همه صحابه عادل نبودند و اگر صحت روایات را نپذیرند معنایش این است که عبدالله ابن عمر و عثمان [علیهما السلام] نسبت دروغ به پیامبر ﷺ داده‌اند و جعل حدیث کرده‌اند. این کار هم گناهی است نابخشودنی و فاعل آن از دایره عدالت خارج می‌شود؛ بنابراین عدالت خلیفه سوم هم از بین می‌رود.

صحابه و نگرانی از حسن عاقبت؛

شکی نیست که درک محضر رسول الله ﷺ و یا حضور در بیعت رضوان، جزء فضایل به شمار می‌آید. اما آنچه را که امروزه اهل سنت به صحابه منتسب می‌نمایند مورد پذیرش صحابه و حاضرین بیعت رضوان هم نبوده است. آنان بر خلاف اهل تسنن این عصر، از آیات قرآن مجید چنین دریافت و فهمی نداشتند که به دلیل صحابی بودن یا حضور در بیعت رضوان دارای خصوصیتاتی چون مصونیت از گناه، آتش و دوزخ خواهند گشت و با حسن عاقبت دنیا را وداع خواهند کرد و به طور خلاصه در دنیا و آخرت سعادت‌مند خواهند بود.

به عنوان نمونه به روایتی در این زمینه توجه کنید:

مسیب می‌گوید، عازب را دیدم و به وی گفتم:

«طوبی لك، صحبت النبي ﷺ و بایعته تحت الشجرة، فقال: یا ابن أخي! إنك لا تدري ما أحدثنا بعده»^(۱).

خوشا به حالت، همراه پیامبر ﷺ بودی و با او در زیر درخت بیعت نمودی. عازب پاسخ داد: ای پسر برادرم! نمی‌دانی که پس از آن چه کارها کردیم.

۱- صحیح بخاری، جلد ۵ صفحه ۶۶، فتح الباری، جلد ۷ صفحه ۳۴۶.

اگر عازب معتقد بود که صرف صحابی بودن و تجدید بیعت موجب مصونیت وی از عذاب جهنم است، این گونه سخن نمی‌گفت و با مسیب درد دل نمی‌کرد. گفته عازب به روشنی نشان می‌دهد که وی بر اساس آیات قرآن مجید صحابی بودن را برابر با عدالت و رستگاری نمی‌پنداشت.

به عنوان مثال: اگر به شخصی که در مورد او شناخت کافی نداریم و تنها بدانیم که اهل عبادت و شب زنده داری است بگوییم: خوشابه سعادت، و وی بگوید: نمی‌دانی چه کارهایی انجام می‌دهم. اولین چیزی که به ذهن انسان خطور می‌کند این است که وی به احکام شریعت ملتزم نیست و احتمالاً در محل کار و یا در خانه، رفتاری مطابق با موازین شرعی ندارد.

روایتی را مالک ابن انس در کتاب موطا^(۱) بدین مضمون نقل می‌کند.

«إن رسول الله ﷺ قال لشهداء أهدء هؤلاء أشهد عليهم، فقال أبو بكر الصديق: ألسنا يا رسول الله ﷺ إخوانهم؟ أسلمنا كما أسلموا وجاهدنا كما جاهدوا، فقال رسول الله ﷺ: بلى ولكن لا أدري ما تحدثون بعدي! فيكى أبو بكر ثم قال: إتنا لكائون بعدك؟»^(۲).

هنگامی که رسول الله ﷺ به شهدای احد گواهی دادند [نزد خداوند به نیت خالص آنان شهادت دادند] ابو بکر [علیه ما علیه] عرض کرد:

۱- مالک ابن انس کتاب موطا را به سفارش ابو العباس سفاح و منصور نوشت و با خود عهد بست که در این کتاب هیچ روایتی را از زبان امیرالمؤمنین عليه السلام ننویسد و هیچ روایتی را که دلالت بر فضیلت اهل بیت عليهم السلام می‌کند را نقل ننماید.
۲- موطا، جلد ۲ صفحه ۴۶۱-المغازی، جلد ۱ صفحه ۳۱۰.

ای پیامبر ﷺ [آیا ما برادران آنان نیستیم، همانند آنان اسلام آوردیم و جهاد کردیم، رسول الله ﷺ فرمودند: آری، ولی نمی‌دانم پس از من چه می‌کنید. سپس ابو بکر [علیه ما علیه] گریست و عرض کرد: آیا ما بعد از شما زنده می‌مانیم؟

پیامبر ﷺ می‌دانست که آنان پس از وی چه جنایتها و ظلمهایی می‌کنند، اما ناگزیر به اندازه عقل و درک مخاطب خود سخن می‌فرمودند.

اگر صرف همراهی و مصاحبت با رسول الله ﷺ و حضور در بیعت رضوان، مصونیت آفرین و تضمین کننده عاقبت شخص تا پایان عمر است، چرا پیامبر ﷺ به اولین خلیفه پس از خود این گونه پاسخ دادند؟ و چرا ابو بکر [علیه ما علیه] از آینده خود نگران می‌گردد؟

بنابر مبنای اهل سنت، پیامبر ﷺ باید به ابو بکر [علیه ما علیه] می‌فرمودند: تو از صحابه من هستی و در بیعت رضوان حضور داشتی، هر چه می‌خواهی انجام بده؛ زیرا گناهان گذشته و آینده تو بخشوده شده است، و تو در نهایت رستگار و سعادتمند هستی.

اشکالات دیگری را نیز می‌توان به اشکالات بیان شده افزود، انشاء الله در جلسه بعد بیشتر به آن خواهیم پرداخت.

«وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

خودآزمایی؛

- ① اشکالاتی را که بر نظریهٔ عدالت صحابه وارد می‌شود توضیح دهید.
- ② صلح حدیبیه و بیعت رضوان چگونه اتفاق افتاد؟
- ③ خداوند متعال به کسانی که در بیعت رضوان شرکت کردند چه وعده‌های داد؟
- ④ کسانی که از همراهی پیامبر ﷺ سرباز زدند چه بهانه‌ای آوردند و چه عهدهی بستند؟
- ⑤ آیا صحابه در عمل به پیمان خود وفادار ماندند؟ نمونه‌ای ذکر کنید.
- ⑥ آیهٔ بیعت رضوان را در راستای نقد عدالت صحابه بررسی نمایید.
- ⑦ قتل عثمان [علیه ما علیه] چگونه عدالت صحابه را زیر سؤال می‌برد.
- ⑧ چه لوازمی بر شهادت عمار مترتب می‌شود؟
- ⑨ آیا صحابه به رستگاری خود اطمینان داشتند؟
- ⑩ پاسخ رسول الله ﷺ به ابو بکر [علیه ما علیه] بر سر مزار شهدای احد حاوی چه نکته‌ای است؟

برای گروهی از مسلمانان عادت شده
بود که هنگام جنگ فرار می‌کردند و
پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را تنها می‌گذاشتند.
مسلمانان در بیعت رضوان با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
بیعت کردند که دیگر ایشان را تنها نگذارند
و از جبهه و کارزار فرار نکنند ولی همانان
که در بیعت رضوان از خود اشتیاق نشان
می‌دادند - چه قبل از آن و چه بعد از آن -
همواره از جنگ فرار می‌کردند.
(صفحه ۱۲ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یشری رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۳۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ - ۴۴۴۹۹۳۳

به سوی معرفت ۳۲

۲۵